

# حماسه 85 ساله

علی اقلیدی نژاد

## قسمت آخر انتفاضة دوم

روز پنج شنبه ۷ مهر ماه ۱۳۷۹ سرزمین پر آتش و ستم فلسطین، آستان حادثه‌ای دیگر بود. رویدادی که خارج از معاملات سیاسی به وقوع پیوست. در این روز، «آریل شارون» رهبر افراطی حزب لیکود با برنامه‌ای از پیش هماهنگ شده و تحت حفاظت دو هزار نیروی امنیتی وارد مسجد الاقصی شد. این حرکت و مانور سیاسی نوعی تهدید دیپلماتیک علیه رهبران فلسطینی به شمار می‌رفت تا بار دیگر بر سرزمین مذاکرات باز گردند و سندهای سیاه خواری و ذلت را امضا نمایند. اما آنچه برای رهبران سیاسی اسرائیل و جنبش آزادیبخش قابل پیش‌بینی نبود، حرکت خروشان و توفنده مردمی بود که بغض‌هایی بسیار عمیق در سینه داشتند. بغض‌هایی که از ناکارآمدی هیئت فلسطینی در احقاق حق ملت ستمدیده و دردکشیده فلسطین در مذاکرات ۹ ساله پدید آمده بود و هم اینک مجال بروز یافته بود. اما اینک زمانه‌ای دیگر بود. حزب‌الله لبنان توانسته بود در سال ۲۰۰۰ م. رژیم صهیونیستی را بدون هیچ‌گونه ضمانت امنیتی از خاک خود اخراج کند. حال این پرسش در ذهن فعالان فلسطینی موج می‌زد که چرا ما نتوانیم؟ در این میان، آنچه الگوی اساسی فعالیت‌های ضداسرائیلی را تشکیل می‌داد و به عنوان یک سلاح راهبردی و مهم در دستان مبارزات قرار گرفت، عملیات شهادت طلبانه بود. حرکت خود جوش مردم در مدت بیش از یک سال و اندی یکی از نخست وزیران و ژنرال‌های با سابقه ارتش یعنی ایهود بارک را از اریکه قدرت به زیر کشید و ژنرال‌های پرمدعای ارتش اسرائیل را دچار سر درگمی نمود.

انتفاضة با نگاهی نو به دو عنصر مهم ارزش‌های دینی، مردم و نیروهای داخلی نگرست و ثمره این نگرش جدید، وارد آمدن ضربه‌های سهمگین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر پیکر رژیم صهیونیستی بود. جالب آن که قیام سنگ در پیوند با عملیات‌های شهادت طلبانه توانست شکاف عمیقی بین متحدان اروپایی و آمریکایی اسرائیل به وجود آورد. همین رشادتها موجب گردید همدردی اروپائیان با ملت فلسطین به مرز کم سابقه ۴۰۰۰ نفر و یک درصد (۱۵) برسد.

اگر چه رژیم صهیونیستی با سوء استفاده از حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، حملات خود را شدت بخشید و به اردوگاه‌های فلسطینی حمله نمود و در این حملات با بی رحمی تمام به کشتار جمعی فلسطینیان پرداخت به گونه‌ای که تنها ظرف مدت یک ماه دویست و سی (۱۶) کودک فلسطینی را به شهادت رسانید اما توانست موج‌های بر آمده از این قیام را در داخل فلسطین مهار نماید. حکومت دژخیم اسرائیل طی مدت انتفاضة اعمال وحشیانه خود را با هدف خرد نمودن ستون فقرات مقاومت مردمی تا حد بی سابقه‌ای گسترش داد. از آن جمله می‌توان به کشتن هزار و چهار صد کودک فلسطینی از آغاز انتفاضة تا کنون (۱۷)؛ کشتار جمعی فعالان فلسطینی به گونه‌ای که تنها در یک روز ۵۰ نفر از آنان به شهادت رسانید، (۱۸) حمله به اردوگاه‌های جنین، طولكرم، بلاطه و... محاصره رام الله؛ حمله به نابلس، الخلیل، قلقلیه و دیگر شهرها و مناطق فلسطینی نشین را اشاره نمود. (۱۹)

با توجه به عمق جنایات، شارون با توجه به ابعاد بین المللی اعتراض‌ها، سیاست یک بام و دو هوا

چپید توی خانه و در را محکم پشت سرش بست. صدای نفس نفس زدنش بلند بود. انگار برایش اتفاقی افتاده بود.

- چی شده، چی شده عمو؟

یک ماشین جیب از سر کوچه تان رد شد. شاید دنبال من می‌گردند.

دل‌م داشت می‌ترکید. عمو چه خیال‌هایی می‌کرد. ترسیدم کار دست خودش بدهد با خودم گفتم: «بگویم، بهتر از این است که بیش‌تر از این‌ها خودش را به دردرس بیندازد.»

اما زبانم نمی‌چرخید. مثل چوب خشکی چسبیده بود به سقف دهانم. ننه به حیاط آمد و با تعجب پرسید: «چی شده؟»

«هیچی... هچی زن داداش... اول ماشینم را پنچر کردند، بعد خبر دادند ارتشی‌ها بیایند دنبال. شما نترسید. بار اول نیست که با آنها درگیر می‌شوم. باید بروم پشت بام و خودم را یک جوری از این کوچه دور کنم.»

ننه وحشت کرد.

- یا حضرت عباس!

مهدی گریه‌اش گرفت.

نه عمو... نه!

عمو رفت طرف راه پله، چه فکر می‌کردیم. چی شد. عمو از آن مبارزهای دست اول بود و نمی‌دانستیم. چه اشتباهی! مثل آدم‌های دست پاچه دویدم جلوش. گفت: چته جعفر؟ ترس عمو!

بعد در راه پله را باز کرد و ننه گفت: «یک جایی خودت را مخفی کن. اگر توانستی از روی پشت بام برو تو خرابه کوچه پشتی. بعد از محله دور شو.»

مهدی به من نگاه کرد و بیش‌تر گریست. با صدای گرفته داد زد: عمو... عمو عباس!

عمو زل زد به من.

عمو... عمو ماشین شما... ماشین شما را ما... راستش ما کم باد... کردیم!

ننه جیغ زد. عمو ماتش برده بود و با ناباوری پرسید: «باور نمی‌کنم! شما؟ آخر چرا؟»

مهدی گفت: «عمو با حرف‌هایی که شما امروز زدید، ما فکر کردیم شما مأمور هستید. به همین خاطر سراغ ماشینتان رفتیم. آن ماشین جیب هم کارش هر روز است که از سر کوچه ما رد شود، به خاطر شما نیست!»

عمو جلوبان آمد و گفت: «حالا فهمیدم»

بعد رفت طرف حوض و دست‌هایش را به آب زد. عمو داشت لبخندی می‌زد که مثل گذشته‌ها شیرین و شکر ریز بود.

- تا بیایم لاستیک‌ها را باز کنیم و ببریم آپاراتی حکومت نظامی شروع شده است. آن وقت نمی‌شود با ماشین به خیابان‌ها رفت. فکر می‌کنم امشب را میهمانان هستیم. راستی جعفر امشب ساعت چند بزنیم کوچه؟

مهدی خندید.





را در پیش گرفته است. روزی با غرور ابراز می‌دارد: «ما در جنگی سخت با دشمنی تشنه به خون و بی رحم درگیر شده‌ایم. باید به آن‌ها خسارت وارد کنیم تا بفهمند چیزی نصیبشان نخواهد شد. باید به آنان آن قدر ضربه بزنیم تا این مطلب را به خوبی بفهمند.» وی در ادامه صحبت هایش می‌افزاید: «حالا زمان صحبت از چشم اندازهای سیاسی نیست، زمان ما زمان چشم اندازهای نظامی است.»<sup>(۲۰)</sup> ژنرال شارون که دکترین خشونت بار مناخ بگین را همچون پتی می‌پرستد، پس از مواجهه با امواج خروشان انسان‌های شهادت طلب و اعتراض انسان‌های آزاده در سراسر جهان، همچون سربازی کهنه کار تاکتیکی دیگر به کار می‌برد و ادعا می‌نماید: «اسرائیل خواهان گفت‌وگو با فلسطینی‌ها است.»<sup>(۲۱)</sup> این گونه سیاست‌های دوگانه هم اینک توانسته است تا حدودی جریان مدعی نمایندگی فلسطین را دچار دودلی نماید. اما چنانچه مردم فلسطین و رهبران آن همچنان که «حاتم عبدالقادر» عضو کادر مرکزی فتح در غزه می‌گوید عمل نمایند به نظر می‌رسد پیروزی نزدیک باشد. این فعال سیاسی تاکید می‌کند: «ما بیش از هر کس به ملت خود در داخل فلسطین مدیون و متکی هستیم.»<sup>(۲۲)</sup>

### حرکت‌های پنهان و آشکار

تاکنون قیام خونین مردم و جنبش‌های اسلامی و ملی فلسطین، ثمرات بسیاری داشته است. تفرقه بین کابینه رژیم صهیونیستی، کاهش محبوبیت شارون<sup>(۲۳)</sup>؛ ضربه ۱۲ میلیارد دلاری بر اقتصاد شکننده اسرائیل، کسب حمایت‌های جهانی در جهت ادامه مبارزه، ایجاد وفاق ملی در بین گروه‌های مبارز، احساس خود باوری و تکیه بر ارزش‌های دینی و میهنی در مبارزات، از جمله دستاوردهای بعضاً بی بدیل و گرانقدر این قیام مبارک است.

اما آنچه نگران کننده است حرکت مرموز متحدان عرب آمریکا می‌باشد. طرح صلح ملک عبدالله ولیعهد عربستان در پیوند با طرح صلح شارون در همین رابطه قابل بررسی است. تجربیات گذشته نشان داده است که اتحاد عربی، آمریکایی، اسرائیلی همواره تا حدود زیادی توانسته است حداقل جبهه داخلی مبارزه را به سردی و سستی بکشانند. اگر چه در ظاهر رز سالاران عربستانی از آغاز انتفاضه تاکنون چهار صد میلیون دلار کمک در اختیار عرفات قرار داده‌اند، اما سفر فروردین ماه عبدالله ولیعهد عربستان به آمریکا و حضور در خانه بیلاقی بوش را نمی‌توان به راحتی دست کم گرفت. همواره در طول دوران مبارزات فلسطین، فقدان مقبولیت مردمی دولت‌های عربی، مشکلات پیچیده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این کشورها و منفعت طلبی شخصی دولتمردان عربی درصد آسیب‌پذیری آنان را بسیار بالا برده است. این مساله برگی طلایی در دستان آمریکا قرار داده است تا هرگاه بخواهد سردمداران این حکومت‌ها را به امتیاز دهی و کرنش بیش تر وادار کند. ضعف این گونه دولت‌ها را همچنین می‌توان آن گونه که جمال البناء - برادر حسن البنا رهبر اخوان المسلمین مصر - می‌گوید: «در فقدان نبود ارزش‌ها، نبود روح مبارزه طلبی، اختلاف نظر و تمایل به سالم ماندن جستجو کرد.»<sup>(۲۴)</sup>

با این حال، نکته اصلی و اساسی‌ای که در انتفاضه دوم مشاهده می‌شود، روح خودباوری، تکیه بر ارزش‌ها و تجربه تلخ شکست مذاکرات پیشین است که این قیام را از دیگر قیام‌های فلسطین متمایز می‌سازد. بی‌گمان بهترین نمونه تجلی این روحیه را می‌توان در رفتار و گفتار مادر شهید محمد فتحی فرحات به نظاره نشست. وی پس از شنیدن خبر شهادت فرزند برونمندش سجده شکر به جای آورد. پیام حتمی این نوع حماسه‌ها، روی آوری ملت فلسطین به سوی دین به عنوان عامل رهایی بخش آنان است.

### سخن آخر

هشتاد سال مبارزه، مجذبه مردم فلسطین تجربه‌ای گرانبار پیش روی نسل حاضر این سرزمین گذاشته است. از سوی دیگر، سر سختی طرف صهیونیست نیز جایی برای مدافغان نرمش و سازش باقی نگذاشته است. نسل امروز فلسطین بیش از هر زمان دیگر، نسلی با آگاهی‌های سیاسی بالا و شهادت طلب است.

دلیل این مدعا گفتار لحد الولیده در باره روحیه فرزندش هشت ساله‌اش است. وی که برق کاری چهل و یک ساله است و دو روز در یک جمع هزار نفره در بازداشت رژیم اسرائیل به سر برده است می‌گوید: «پسر من می‌گوید می‌خواهد شهید شود. او هشت سال دارد، اما فقط از سیاست حرف می‌زند.»<sup>(۲۵)</sup>

روح غیرت و شهادت طلبی این کودک و نوجوانان حتی بر میان سالان طرفدار گفت‌وگو نیز تأثیر گذاشته است. سالد عبدالجواد استاد علوم سیاسی دانشگاه بیروت که خود در گذشته طرفدار سازش بوده و اغلب حمله به غیر نظامیان صهیونیست را محکوم می‌کرده است، نمونه‌ای از این ادعا است. وی با ناامیدی می‌گوید: «وقتی هر روز سی و یا پنجاه نفر در در اردوگاه‌های آوارگان گشته می‌شوند، باید به این کشتار پاسخ داد. اگر پاسخی داده نشود، خواهند گفت پیروزی شارون را پذیرفته‌اند. من امروز عملیات شهادت طلبانه را بر ضد این ارتش، این اف ۱۶ها و تانک‌ها تایید می‌کنم. این تنها چیزی است که برای ما باقی مانده است.»<sup>(۲۶)</sup>

به نظر می‌رسد هم اینک امت فلسطین ترجمان گفتار هیئات من الذله سیدالشهدا<sup>(۲۷)</sup> را در این گفتار عز الدین قسام وقتی در تپه‌های یبعد در محاصره ارتش انگلیس بود، به خوبی دریافته‌اند که گفت: «این جهادی است در راه خدا یا پیروزی یا شهادت، نه ذلت و نه اسارت.»<sup>(۲۷)</sup>

..... پی‌نوشت:

- ۱۵- جمهوری اسلامی، ۸۱/۲/۱، ص ۱۶
- ۱۶- اطلاعات، ۸۱/۲/۳، ص ۱۶
- ۱۷- خبر رادیو، ۸۱/۲/۴
- ۱۸- کیهان، ۸۰/۱۲/۱۸
- ۱۹- کیهان، ۸۰/۱۲/۲۲، به نقل از رادیو بی. بی. سی
- ۲۰- صفحه اول، شماره شصت، ص ۳۴، به نقل از اکونومیست ۱۰ مارس ۲۰۰۲
- ۲۱- کیهان، ۸۰/۱۲/۱۶
- ۲۲- بگاه حوزه، شماره ۴، ص ۲۷.
- ۲۳- صفحه اول، شماره شصت، ص ۳۵، به نقل از اکونومیست.
- ۲۴- رسالت، ۸۱/۲/۹، ص ۲.
- ۲۵ و ۲۶- صفحه اول، شماره شصت، ص ۳۱ به نقل از مجله لوبران ۱۵ مارس ۲۰۰۲.
- ۲۷- نژاد پرستی اسرائیل و آمریکا، ص ۲۳۵.